

اینکه علم دینی و غیردینی نداریم مغالطه است

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی گفت: مغالطه‌ای وجود دارد که ما علم دینی و غیر دینی نداریم. این مغالطه یا از سر جهل و بی دقتی و یا برای فریب‌کاری مطرح می‌شود.



رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی گفت: مغالطه‌ای وجود دارد که ما علم دینی و غیر دینی نداریم. این مغالطه یا از سر جهل و بی دقتی و یا برای فریب‌کاری مطرح می‌شود.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله علی اکبر رشاد، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، عصر روز گذشته ۱۴ بهمن ماه در دومین روز همایش «جهان انسانی، حکمت اسلامی» که به همت کانون اندیشه جوان و مؤسسه اشراق برگزار شد در مورد دین و حقیقت به ارائه سخن پرداخت.

وی در ابتدای سخنان با تأکید بر اینکه تفسیر واحد و روشنی از دین و حقیقت نتوانستم داشته باشم. تصور کردم شاید مراد این است که آیا دین در حقیقت بودن حقیقت تأثیر دارد یا دین چه کمکی می‌کند در کشف حقیقت. مراد من از رابطه دین و حقیقت این است که آیا دین می‌تواند در شکل‌گیری علم دینی تأثیر داشته باشد.

وی افزود: این تفسیر از این عنوان را تقریب کردم به مغالطه‌ای که در حوزه دغدغه تولید علم دینی مطرح می‌شود مبنی بر اینکه: علم که دینی و غیردینی ندارد! مگر فیزیک دینی و غیردینی داریم؟! فیزیک، فیزیک است. مگر فرمولها و معادلاتی که در علوم مختلف مطرح می‌شود، دینی می‌شود؟!

وی طرح این پرسشها را ناشی از جهل و بی دقتی و یا جهل و فریب‌کاری طراحان آن دانست و در توضیح این مطلب افزود: مقام علم، مقام معرفت است. بنابراین است که معرفت بدست بیاید. علم از مؤلفه‌های گوناگونی تشکیل می‌شود و دارای مبادی و مبانی است. هر علمی موضوعی دارد. علم دارای منطق و روش است؛ دارای غایت و کارکرد است.

آیت الله رشاد در ادامه سخنان تصریح کرد: مغالطه‌ای که در اینجا وجود دارد این است که ما علم دینی و غیر دینی نداریم. این مغالطه یا از سر جهل و بی دقتی و یا برای فریب‌کاری مطرح می‌شود. در این راستا باید توجه کرد که مقام علم، مقام معرفت است و ما بسته به اینکه چه منطق و غایتی برای علم قائل باشیم، معرفت متفاوتی خواهیم داشت. وقتی تنها ما معرفت صادق خواهیم داشت که از منطق و غایت صادقی برخوردار باشیم.

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ادامه داد: اصولاً هر علمی پنج مولفه دارد؛ این مولفه‌ها عبارتند از: مبانی، موضوع، روش، غایت و کارکرد، مسائل و قضایا. این پنج مولفه پس از صورت‌بندی در یک دستگاه معرفتی علم را تولید می‌کنند از این رو علم انباشت قضایا و مسائل نیست یا از طرفی صرفاً پیگیری یک غایت نمی‌باشد. از سوی دیگر نمی‌توان علم را تنها پیگیری یک روش دانست.

وی با اشاره به اینکه هر علمی دارای قضایا و مسائل است؛ این پنج عنصر را مؤلفه‌های علم می‌نامیم، اظهارداشت: لکن آنگاه که این مؤلفه‌ها که برای همه علم‌ها واجب هستند در یک دستگاه معرفتی صورت‌بندی شوند، سامان، تناسب و نظم پیدا کنند، آن زمان است که علم متولد شده است، یعنی هرگاه مجموعه‌ای از این مؤلفه‌ها که با هم سازگار باشند و مجموعه‌ای از یک دستگاه معرفتی را پدید آورند، نام آنرا علم می‌گذاریم.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی ادامه داد: وقتی دستگاه معرفتی پدید می‌آید ما حول یک محور، متناسب با یک مبانی و با کاربرد منطقی سازگار با این مبانی و موضوع و غایتی سازگار با این مجموعه، مسائل را طرح و حل می‌کنیم.

رشاد با بیان اینکه وقتی این مولفه‌ها یک ساختار را به وجود می‌آورند، یک علم به وجود می‌آید، گفت: این مولفه‌ها باید یک نظام و دستگاه سازگار را پدید بیاورند. در این صورت اگر علم متناسب با این مجموعه معرفت متفاوتی با دیگر معارف خواهد بود. به غیر از این مولفه‌های اساسی ما عناصری داریم که محصول چگونگی نسبت پنج مولفه با هم هستند. برای مثال وجود شناختی یک علم حقیقی است و علمی مانند تاریخ اعتباری می‌باشد. اینکه هندسه معرفتی یک علم چگونه باشد، معطوف به پیوند مولفه‌های پنجگانه است.

وی ادامه داد: از این رو نحوه نسبت و بررسی این مولفه‌های اصلی، دینی، سکولار و یا الحادی بودن علم را مشخص می‌کند و این مغالطه مردود است که بگوییم علم، علم است و اسلامی و غیر اسلامی ندارد.

رشاد گفت: اینکه شما هستی را ذی روح و یا بی‌جان، ذیل حاکمیت خدا، دارای وجه قدسی و یا نظام احسن بدانید، بر معرفتی که شما به دست خواهید آورد، تأثیر خواهد گذاشت. همچنین اعتقاد به تجربه‌گرایی و یا عدم اعتقاد به کفایت تجربه در معرفت شما موثر خواهد بود. ممکن است با پذیرش وجود علم اسلامی این سؤال به وجود بیاید که در این صورت ما معرفت ثابت و واقع‌گرایی نخواهیم داشت. جواب این سؤال آن است که اگر ما از مولفه‌های درست و واقع‌گرا استفاده کنیم، معرفت درستی نسبت به امور خواهیم داشت.

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در پایان سخنان تصریح کرد: معرفت صائب برآیند فرایند صائب و مبانی صائب است؛ معرفت غلط فرآورده برآیند غلط و مبادی و مؤلفه‌های غلط است و معرفت هم صحیح و غلط و حق و باطل دارد.